

## فصلنامه تاریخ اسلام

سال سوّم، بهار ۱۳۸۱، شماره مسلسل ۹، ص ۲۵ - ۴۶

## عبدالملک بن اَعین

## محمد اصغری نژاد\*

یکی از فرهیختگان سده دوم هجری عبدالملک بن اَعین، برادر زرارۀ بن اَعین، راوی معروف است. متأسفانه با آنکه تعریف‌ها و توصیفات ارزنده‌ای از وی در لسان شریف امام صادق (ع) و اندیشمندان شیعه و سنی شده، ولی چهره وی بر برخی از رجالیون پوشیده مانده است. هرچند مقاله حاضر بحثی رجالی نیست اما تا اندازه‌ای زوایای گوناگون زندگی عبدالملک را بررسی نموده و به علل تضعیف وی از سوی پاره‌ای رجالیون اهل سنت اشاره کرده و به گونه‌ای نسبتاً مفصل درباره (خاندان) اَعین سخن می‌گوید.

واژه‌های کلیدی: اَعین، عبدالملک، امام باقر (ع)، امام صادق (ع)، اصحاب.

\* پژوهشگر و دانش‌آموخته حوزه علمیه قم.

عبدالملک، برادر زراره، راوی معروف، از جمله اصحاب بزرگ حضرت صادق(ع) و از دودمان اعین بود. برای شناخت عبدالملک لازم است اندکی دربارهٔ این خاندان معروف سخن بگوییم:

### ویژگی‌ها:

آل اعین بزرگ‌ترین خاندان علمی شیعی در شهر کوفه بود. بسیاری از افراد این (خاندان) از اصحاب ائمه و راویان بزرگ و فقها بوده‌اند و کم‌تر شخصیتی از آنان است که ناقل حدیث نباشد. راویان اعین بالغ بر شصت تن بوده‌اند.<sup>(۱)</sup> علامهٔ بحرالعلوم با ذکر این نکته که مدایح آل اعین فراوان است، در وجه تمایز آنان با دیگر خاندان‌های کوفه خصایص ذیل را عنوان کرده است:

۱. بزرگ‌ترین خاندان شیعی؛

۲. عظیم‌الشان‌ترین آن‌ها؛

۳. عالم‌ترین خاندان به طوری که در میان‌شان محدث و فقیه و ادیب و قاری فراوان بوده است؛

۴. دیرپای‌ترین آن‌ها، چه نخستین افراد این طایفه در عصر حضرت سجاد(ع) و آخرین‌شان در اوایل غیبت صغرا می‌زیسته‌اند.<sup>(۲)</sup>

آل اعین علاوه بر ربودن گوی سبقت در میادین دانش، در جنبه‌های سیاسی نیز فعالیت داشتند، به طوری که قرائن نشان می‌دهد خواب خوش را از چشمان حکام اموی و عباسی ربودند. حجاج بن یوسف ثقفی، وقتی برای زمامداری به عراق آمد، نگرانی خود را از این دودمان ابراز نمود:

«با وجود یک مرد از آل‌اعین، حکومت برای ما هموار نمی‌شود.»<sup>(۳)</sup>

### نژاد آل‌اعین

در این که این خاندان از چه نژادی است، اختلاف وجود دارد. برخی می‌گویند: جد آنان یعنی سُئسُنْ از قبیلهٔ غَسَّان از نژاد عرب بود، که در صدر اسلام به روم رفت و در آن‌جا در مسلک راهبان درآمد. سُئسُنْ فرزندی به نام اعین داشت. ظاهراً در جنگی که میان روم و مسلمانان صورت گرفت، اعین توسط مسلمانان اسیر شد، آن‌گاه یک نفر از قبیلهٔ بنی‌شیبان او را خریداری کرد، سپس تربیت و فرزندخوانده‌اش نمود.

پس از مدتی اعین در سایهٔ تربیت پدرخوانده‌اش قرآن را حفظ کرد و در ادبیات عرب چیره دست شد. روزی پدرخوانده به او گفت: آیا می‌خواهی از نظر نژادی تو را به قبیلهٔ خودم ملحق سازم؟ اعین نپذیرفت. زمانی که اعین بزرگ شد، سنسن از روم آمد و ملاقاتش کرد.<sup>(۴)</sup>

جمعی گویند: سنسن در اصل رومی بود. وقتی اعین اسیر شد و سنسن از جایگاهش اطلاع پیدا کرد، با گرفتن اجازه و امان‌نامه از مسلمانان چند بار به دیدار فرزندش شتافت.<sup>(۵)</sup> عده‌ای با توجه به گزارشی گویند که اعین از مردم خطهٔ فارس بود. پس از دیدار امیرالمؤمنین(ع) به دست حضرت اسلام آورد. میان راه با گروهی از بنی‌شیبان برخورد کرد. آنان پس از گرفتن پیمان «ولا»<sup>(۶)</sup> او را آزاد کردند.

### اسامی خاندان

بر کسانی که از نسل اعین پا به عرصهٔ وجود نهاده بودند، اسامی ذیل اطلاق گردیده است:

۱. آل‌اعین.

۲. شیبانی.<sup>(۷)</sup>

به سبب ارتباطی که میان اعین و قبیله بنی شیبان ایجاد شد، او و خاندانش به این قبیله منسوب شدند.

### ۳. زراری.

زراری یعنی منسوب به زاره بن اعین. نخستین بار این نسبت در کلام امام هادی (ع) خطاب به یکی از نوادگان بکیر بن اعین به نام محمد بن سلیمان یا پدرش سلیمان بن حسن بن جهم بن بکیر، جد پدری ابو غالب دیده شد. امام به منظور حفظ جان او و رعایت تقیه، نام اصلیش را نبرد و او را به زاره، عالم‌ترین شخصیت آل اعین منسوب ساخت تا تجلیلی از مقام شامخ زاره شده باشد. امام در این باره فرمود: زراری را خدا حفظ کند. از آن لحظه بر افراد این خاندان، زراری اطلاق گردید.<sup>(۸)</sup>

### ۴. بکریون

پیش از آن که عنوان زراری بر آل اعین اطلاق گردد، به بکریون مشهور بودند.<sup>(۹)</sup>

## فرزندان اعین

در تعداد فرزندان اعین اتفاق نظر وجود ندارد. برخی آنان را هشت تن بدین اسامی می‌دانند: عبدالملک، حمران، زاره، بکیر، عبدالرحمان، قعنب، مالک و ملیک.<sup>(۱۰)</sup> بعضی به جای دو نفر آخر، عبدالاعلی، عیسی، ضریس و سمیع را ذکر کرده‌اند.<sup>(۱۱)</sup> عده‌ای به جای عیسی و عبدالاعلی، موسی و ملیک را ذکر نموده‌اند.<sup>(۱۲)</sup> اقوال دیگر، بین ۱۲،<sup>(۱۳)</sup> ۱۶،<sup>(۱۴)</sup> و ۱۷<sup>(۱۵)</sup> است. برخی در زمره فرزندان، دختری به نام «ام الاسود» را یاد کرده‌اند.<sup>(۱۶)</sup>

## فضیلت‌های عبدالملک

### نخستین شیعه آل اعین

قبلاً گفتیم مسلم است سنسن، جد عبدالملک راهب مسیحی بود. طبیعی بود اعین نیز

مسیحی باشد. بر اثر جنگی که میان مسلمانان و روم رخ داد، اعین توسط مسلمانان اسیر شد. سپس یک نفر از قبیله بنی شیبان او را خرید و توسط او مسلمان شد. علامه شیخ محمد تستری گفته است اعین سنی بود و به تبع او، فرزندانش سنی بوده‌اند، سپس جمعی از آنان شیعه شدند.<sup>(۱۷)</sup>

بنابراین می‌توان به نادرستی خبر علی بن سلیمان، عموی پدری ابوغالب زراری مبنی بر این‌که اعین از مردم خطه فارس بود که به قصد زیارت امیرالمؤمنین(ع) و مسلمان شدن توسط او و وطنش را ترک کرد،<sup>(۱۸)</sup> پی برد.

احتمال دیگر این است که اعین در آغاز شیعه و جزو دوستداران امیرالمؤمنین(ع) بود، ولی بعداً به واسطه فضای خفقان آلودی که خلفا به وجود آوردند، جزو کسانی شد که به حضرت پشت کرد و مذهب خود را عوض نمود. وقتی ازدواج کرد و دارای اولاد شد، آنان نیز به مسلک اهل تسنن گرایش پیدا کردند، ولی وقتی به رشد کافی رسیدند، بسیاری از آنان حقیقت را دریافتند و در مسلک دوستداران و شیعیان امیرالمؤمنین(ع) درآمدند.

طبق برخی اخبار، نخستین شیعه آل اعین، عبدالملک بود. او توسط صالح بن میثم رهنمون گشت، سپس برادرش حمران به دست ابو خالد کابلی در این سلک درآمد. طبق گزارشی دیگر، نخستین فرزند اعین که پیرو آل علی علیه‌السلام شد، ام‌الاسود، خواهر عبدالملک بود. گویند ابو خالد کابلی در این اقدام مؤثر بود.<sup>(۱۹)</sup>

اکنون شایسته است به ویژگی‌های عبدالملک پردازیم:

#### جایگاه عبدالملک نزد امام صادق(ع)

برادر عبدالملک به نام زراره که از فقهای طراز اول شیعه در قرن دوم و سوم هجری بود

گوید:

امام صادق(ع) بعد از مرگ عبدالملک فرمود: «خداوندا! ما اهل بیت در نظر ابوضریس

بهترین خلق تو بودیم. پس او را در روز قیامت در زمرة محمد - که صلوات تو به او باد - قرار ده!»

سپس امام فرمود: آیا او را در خواب دیده‌ای؟

عرض کردم: خیر.

امام فرمود: سبحان الله! مثل ابوضریس کجاست؛ مانند او هنوز به دنیا نیامده است!<sup>(۲۰)</sup>  
 علامه مامقانی، رجالی قرن چهارده پس از نقل روایت فوق و بررسی روایات مختلف و کنکاش در گفت‌وگوی علما درباره عبدالملک گوید:

«از دعای فراوان امام صادق(ع) در حق وی و فرستادن رحمت بر او و درخواست از خداوند مبنی بر قرار دادن عبدالملک در زمرة آل محمد(ص) در روز قیامت و این که فرمود: «مثل ابوضریس هنوز به دنیا نیامده است»، استفاده می‌کنیم عبدالملک فردی موثق بود، بلکه در اعلا درجه وثاقت بود، زیرا صدور چنین مدایح و واکنش‌هایی توسط امام در حق کسی که عادل و موثق و امین نیست، نامعقول می‌باشد، زیرا ائمه اطهار علیهم‌السلام اهل مبالغه و مغالطه نبودند. مقصود امام از این که به طور مطلق فرمود: مثل عبدالملک هنوز زاده نشده است، مماثلت و مشابهت در ورع و تقوا و دیانت و صلاح است که مورد نظر خدا و رسول و ائمه و دیگر بندگان برگزیده الهی است. اگر امام(ع) مشابهت خاصی را در نظر داشت، حتماً تصریح می‌کرد و وجه شباهت را بیان می‌فرمود. این مطلب بر کسانی که دارای ذوق و سلیقه درست و مستقیم هستند و لسان اهل بیت رحمت را می‌فهمند، پوشیده نیست. اگر به این سخنان، شهادت علمای بزرگ مبنی بر مستقیم و پایدار بودن عبدالملک در دین و مذهب، و گواهی امام باقر(ع) را که «عبدالملک از نجات یافتگان و سرپرست مردم و خزانه‌داران در وقت ظهور امام زمان(ع) است»، اضافه کنیم، تردیدی باقی نمی‌ماند که او را در شمار شخصیت‌های عادل و موثق عنوان کنیم.»<sup>(۲۱)</sup>

### صحابی خاص امام باقر(ع) و امام صادق(ع)

تا شخصیت کسی مورد قبول ائمه(ع) نبود، با او ارتباط نزدیک برقرار نمی‌کردند و با وی درباره موضوعات و مسائل مهم عقیدتی یا سیاسی سخن نمی‌گفتند و اسرار ولایت را مطرح نمی‌کردند. اگر از روایات، دلایل و قراینی بر ارتباط تنگاتنگ میان راوی و امام وجود داشته باشد، و نیز با دقت در مطالب و اسراری که امام با او در میان گذارده، می‌توان به شخصیت و عظمت راوی پی‌برد؛ هر چند به طور صریح از او تعریف و تمجیدی در کتب رجال و نگاشته‌های تذکره نویسان یافت نشود. قراینی وجود دارد که عبدالملک از یاران خاص امام باقر(ع) و امام صادق(ع) بود و ایشان اعتماد زیادی بدو داشتند و در مورد مسائل مهم با او به گفت‌وگو می‌نشستند.

در روایتی آمده است عبدالملک پرسش‌های زیادی از امام صادق(ع) نمود که می‌توان فهمید پاره‌ای از سئوالات وی مربوط به امامت بوده، و این نمایانگر اعتماد امام به اوست و جایگاه وی را نزد حضرت می‌نمایاند.

در این روایت از گمراهی اصحاب پس از وفات پیامبر(ص) صحبت شده است. تصریح به چنین موضوعی در عصر اختناق، از سخنان غیر قابل بخشش بود و کیفر سختی داشت.

حارث بن مغیره گزارشگر مورد نظر گوید:

عبدالملک بن اعین که در حال گفت‌وگو با امام صادق(ع) بود، پرسش‌های زیادی کرد تا آن که گفت: بنابراین همه مردم هلاک شدند؟

امام فرمود: «آری؛ به خدا سوگند، ای پسر اعین همه مردم هلاک شدند.»

عبدالملک پرسید: ساکنان مشرق و مغرب زمین؟

امام فرمود: «مشرق و غرب به گمراهی فتح شد.»<sup>(۲۲)</sup> آری، به خدا قسم! همگی مردم هلاک

گشتند جز سه تن: سلمان فارسی و ابوذر و مقداد. بعد عمار و ابوساسان انصاری و حذیفه و ابوعمره بدان‌ها ملحق و در مجموع هفت تن شدند.<sup>(۲۳)</sup>

شاهد بعدی خبر ذیل است که امام باقر(ع) تعدادی از آثار امیرالمؤمنین(ع) را که از علوم مخفی و اسرار اهل بیت(ع) به شمار می‌آید، به عبدالملک نشان می‌دهد و نظر او را دربارهٔ علت نوشتن آن‌ها سؤال می‌کند. عبدالملک با درایت و بینش، پاسخ را تقدیم می‌کند: عبدالملک گوید: زمانی امام باقر(ع) تعدادی از کتاب‌های علی(ع) را به من نشان داد. سپس فرمود: «به چه دلیلی او این‌ها را نگاشته است؟» عرض کردم: آیا عقیده‌ام را در این باره بیان کنم؟ امام فرمود: «آری.»

عرض کردم: حضرت می‌دانست قائم شما روزی قیام می‌کند. از این رو دوست داشت او به آن چه در آن کتاب‌هاست، عمل کند.<sup>(۲۴)</sup> امام فرمود: «صحیح است.»<sup>(۲۵)</sup>

قرینهٔ دیگر روایاتی است که به واسطه‌گری عبدالملک در رساندن مسائل مردم به امام و ارسال پاسخ‌ها اشاره دارد که گویای اعتماد امام به این شخصیت بزرگ است. شاید بتوان از شواهد استفادهٔ بیشتری کرد و گفت که او یکی از وکلای ایشان در شهر کوفه بوده که به مسائل فقهی - کلامی مردم پاسخ می‌گفته، جمع‌آوری وجوه شرعی نیز به دست با کفایت او انجام می‌پذیرفته است. یکی از نشانه‌های این ادعا، نامهٔ مهم عبدالرحیم قصیر به امام صادق(ع) به خط عبدالملک و پاسخ آن توسط حضرت به دست عبدالملک است. این نامه یکی از ذخایر ارزشمند شیعی است، چون در آن به مهم‌ترین عقاید کلامی آن عصر اشاره شده است.

از برخی روایات استنباط می‌شود عبدالملک علاوه بر علاقهٔ وافر به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) و دیگر ائمهٔ هدی، عاشق امام مهدی(ع) فرجه بود و در انتظار ظهور حضرت به سر می‌برد. در گزارش ابوبکر حصرمی می‌خوانیم: عبدالملک بن اعین گفت: هنگامی که نزد ابوجعفر باقر(ع) بودم، یاد امام زمان افتادم.



ایستادم و گریستم و عرض کردم: امیدوارم در حالی که توان دارم، ظهور حضرت را دریابم.<sup>(۲۶)</sup>  
 علی بن سعید گوید: نزد امام صادق (ع) نشسته بودم. کنار حضرت، محمد بن عبدالله بن علی بود. در آن مجلس عبدالملک بن اعین و... بودند... امام رو به ما کرد و فرمود: بشارت باد شما را! آیا به این راضی نیستید که در روز قیامت به علی متمسک شده‌اید و علی به رسول خدا (ص) متمسک شده است؟<sup>(۲۷)</sup>

از روایت فوق مقام والای اهل مجلس از جمله عبدالملک به دست می‌آید.  
 عبدالملک بن اعین و چهار برادر دیگرش یعنی زراره و حمران و بکیر و عبدالرحمان از یاران سرشناس و برگزیده حضرت باقر و امام صادق علیهما السلام بودند. آنان برای فراگیری علوم اهل بیت رنج سفرهای طاقت‌فرسای آن عصر را بر خود هموار کردند و دائماً مسافت زیاد میان کوفه تا مدینه را طی می‌نمودند. حاصل این تلاش‌ها آن شد که هر یک از این پنج فرزانه، به مقام شامخی در دانش دست یافتند. در گزارشی از «ربیعة الرأی» آمده است که به امام صادق عرض کردم: آن چند برادر که از عراق به محضرتان می‌آیند و من بهتر از آنان و مهیتر برای فراگیری علوم در یاران شما ندیده‌ام، کیستند؟

امام فرمود: «انان [فرزندان سرشناس اعین] اصحاب پدرم هستند».<sup>(۲۸)</sup>

حسین بن موسی گوید: در سالی امام صادق (ع) با اصحاب خویش به مکه شرفیاب شد و از حال عبدالملک بن اعین پرسش نمود و فرمود: «آیا او از دنیا رفت؟»  
 عرض کردم: آری...  
 امام فرمود: «پس بیا با ما تا بر سر قبرش برویم و برای او دعا کنیم».<sup>(۲۹)</sup>

از این خبر فهمیده می‌شود قبر عبدالملک در مکه است،<sup>(۳۰)</sup> ولی طبق تصریح شیخ صدوق، قبر وی در مدینه است و امام صادق (ع) و اصحابش به زیارت او رفتند.<sup>(۳۱)</sup>

## عبدالملک در منظر اهل سنت

علما و بزرگان سنی دربارهٔ عبدالملک ابراز نظرهای گوناگون کرده‌اند. برخی چون ابوحاتم و ابن حبان و عجلی او را از شیعیان نیکو و صالح الحدیث و مورد اعتماد و صدوق دانسته‌اند. و جمعی چون ابن معین و سفیان بن عیینه (سفیان ثوری) او را فردی خبیث‌القول و بی‌ارزش عنوان نموده‌اند.<sup>(۳۲)</sup>

با دقت در عبارات مذمت‌کنندگان و ریشه‌یابی آن، می‌توان فهمید عبدالملک تنها به سبب شیعه بودن و دوستی با خاندان اهل بیت نکوهش شده است. برای همین بخاری در صحیح تنها یک حدیث از او نقل کرده است.<sup>(۳۳)</sup>

تنها نکته‌ای که از سوی شیعه در نکوهش عبدالملک عنوان شده، روایتی است از گفت‌وگویی او با امام صادق(ع) که گویند از جسارت و بی‌ادبی او حکایت می‌کند. در این روایت می‌خوانیم: ابوعبدالله (امام صادق) به عبدالملک بن اعین فرمود: «چرا نام فرزندت را ضریس نهادی؟»

عبدالملک گفت: چرا پدرتان شما را جعفر نام نهاد؟

امام فرمود: «جعفر نام نه‌ری در بهشت است، اما ضریس نام شیطان است.»<sup>(۳۴)</sup>

شهید ثانی و شیخ حسن، فرزند او و مامقانی، روایت فوق را معتبر نمی‌دانند، زیرا در سند آن «علی بن عطیه» وجود دارد.<sup>(۳۵)</sup>

بر فرض صحت سند، نمی‌توان به جسارت عبدالملک حکم کرد، زیرا شاید در حال شوخی با امام بوده است.<sup>(۳۶)</sup>

## گسترهٔ دانش

به تعبیر مامقانی عبدالملک بن اعین از «خُلص شیعه» بود. او از یاران نزدیک امام باقر(ع) و امام صادق(ع) محسوب می‌شود و به تنهایی یا با برادرانش بارها برای دیدار ائمه به مدینه

رفته و از محضر پرفیض‌شان بهره برده بود.

به طور طبیعی بایستی دستاوردهای علمی فراوانی از عبدالملک در منابع و جوامع روایی و تاریخی داشته باشیم، اما از وی روایات اندکی باقی مانده، علت آن مشخص نیست. اما به احتمال می‌توان گفت شاگردان مخالف او نظیر عبدالرحمان بن مهدی و ابن عیینه و سفیان ثوری روایات استاد را به دیگران منتقل نکرده، با آتش کینه و حسد سوزاندند.<sup>(۳۷)</sup> احتمال دیگر آن است که چون عبدالملک کاتب و ملازم امامان بود، کم‌تر فرصت پیدا می‌کرد به تدریس و انتقال یافته‌هایش و نقل آن‌ها بپردازد.<sup>(۳۸)</sup>

با توجه به آن‌که عبدالملک از شیعیان خلص ائمه (ع) بود، شاید بتوان استنباط کرد قسمت زیادی از یافته‌های وی مربوط به اسرار ولایت است و چون او کم‌تر کسی را شایسته درک و پذیرش آن‌ها می‌دید، از انتقال مطالب خویش خود داری می‌نمود. عامل احتمالی دیگر کوتاهی راویان بوده که گفت‌وگوهای او با امامان را ضبط نکرده‌اند و یا چون در نظرشان کم اهمیت بوده، توجهی به آن ننموده‌اند. علت دیگر که در مورد بیش‌تر راویان وجود داشته و موجب گشته از آنان احادیث کم‌تری داشته باشیم، جو سیاسی نامناسب آن عصر بوده است. او در بخش نجوم هم تحقیقاتی داشت و احتمالاً کتاب یا کتاب‌هایی تألیف کرده بود. برای همین شیخ عباس قمی از او به عنوان آگاهان علم نجوم یاد کرده است،<sup>(۳۹)</sup> ولی چون به مقتضای علم خود عمل می‌نمود و این امر باعث شده بود در زندگیش اختلالاتی ایجاد گردد، دست به دامان امام صادق (ع) برد. خود در این باره گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: من گرفتار علم نجوم شده‌ام. وقتی می‌خواهم کاری انجام دهم، به طالع می‌نگرم اگر بد باشد، حاجتم را رها می‌سازم و اگر طالع را خوب ببینم، در پی انجام کارم برمی‌آیم.

امام فرمود: «حکم می‌کنی؟»

عبدالملک عرض کرد: آری.

امام فرمود «کتاب‌هایت را بسوزان».<sup>(۴۰)</sup>

## اساتید

طبق سخن مامقانی، رجالی معروف سده چهاردهم هجری بیش تر روایات عبدالملک از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) است.<sup>(۴۱)</sup> بنابراین، شخصیت علمی وی به دست آن دو بزرگوار رقم زده شده بود. دیگر کسانی که عبدالملک از محضرشان بهره مند گشته و روایت نقل کرده، عبارتند از:

۱. ابوبشیر.<sup>(۴۲)</sup>
۲. سلیمان بن خالد.<sup>(۴۳)</sup> ابوریع هلالی، معروف به سلیمان بن خالد از قاریان و فقها و بزرگان عصر امام باقر(ع) و امام صادق(ع) بود و از جمله اصحاب جناب زید بن علی(ع) در قیام وی در کوفه به شمار می آمد. در این جنگ دست سلیمان توسط دشمن قطع گردید.<sup>(۴۴)</sup>
۳. ابوحرب بن ابوالاسود دثلی.<sup>(۴۵)</sup>
۴. ابوعبدالرحمن سلمی.<sup>(۴۶)</sup> ظاهراً وی عبدالله بن حبیب سلمی است که از یاران امام علی(ع) به شمار می آمد و یکی از فرزندان تاریخ شیعه و شخصیت های قابل اعتماد بود. او ۱۰۵ هجری در ۹۰ سالگی از دنیا رفت.<sup>(۴۷)</sup>
۵. شقیق بن سلمه اسدی (ابووائل)<sup>(۴۸)</sup>
۶. عبدالله بن شداد بن هاد. وی از اصحاب بزرگ امیرالمؤمنین(ع) بود. امام صادق(ع) درباره کرامت امام حسین(ع) نسبت به شداد فرمود: «هنگامی که شداد به تب شدیدی دچار شد، حسین بن علی به عیادتش رفت، به محض این که داخل منزلش شد، تب از شداد رخت بریست.»<sup>(۴۹)</sup> شداد به سال ۸۱ یا ۸۲ هجری از دنیا رفت.
۷. عبدالرحمن بن اذینه.<sup>(۵۰)</sup>
۸. صالح بن میثم. ابوغالب زراری در یکی از گزارش های خود گوید: عبدالملک نخستین شخص از آل اعین بود که شیعه و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت شد. او به واسطه

صالح بن میثم در این مسیر قدم برداشت. (۵۱)

### شاگردان و راویان

شخصیت‌ها و کسانی که از محضر عبدالملک بهره‌مند شده و روایاتی از او نقل کردند، کم نیستند، ولی تاریخ همه آن‌ها را ثبت نکرده است. برخی عبارتند از:

۱. برادر وی، (۵۲) زراره. وی از فقهای طراز اول امام باقر(ع) و امام صادق(ع) بود. زراره از جمله مصادر و مراجع شناخت فقه شیعه است. (۵۳)

۲. یونس بن عبدالرحمان. (۵۴) ابومحمد یونس بن عبدالرحمن از بزرگان و فقهای به نام شیعه در عصر امام کاظم و امام رضا علیهما السلام بود. حضرت رضا(ع) اصحابش را در اخذ علم و فتوا بدو راهنمایی کرد. به علاوه وی افتخار داشت وکیل حضرت باشد. این شخصیت برجسته شیعی، آثار زیادی به رشته تحریر درآورد. (۵۵)

برخی گویند: یونس از شاگردان عبدالملک نیست، زیرا عبدالملک در زمان امام صادق(ع) از دنیا رفت و یونس گرچه زمان حضرت را درک کرد، اما در سنی نبود که بتواند از آن امام یا دیگران روایت نقل کند. (۵۶)

۳. ابن بکیر. (۵۷) ظاهراً مقصود، عبدالله بن بکیر از «اصحاب اجماع» (۵۸) است. عبدالله برادرزاده عبدالملک و از راویان بزرگ به شمار می‌آید ولی «فَطْحَى» (۵۹) مذهب (۶۰) بود.

۴. عبدالله بن محمد حصرمی. (۶۱) وی از اصحاب امام باقر(ع) و امام صادق(ع) بود. (۶۲)

۵. حرز. (۶۳) ظاهراً وی حرز بن عبدالله سجستانی است. وی از کوفه بود، لیکن به سبب

مسافرت‌های تجاری که به سجستان (سیستان) نمود، به این نام مشهور شد. یونس بن عبدالرحمان گوید: حرز از امام صادق(ع) بیش از دو حدیث نشنیده است. (۶۴) شیخ طوسی

درباره او گوید: حرز فردی مورد اطمینان بود. از جمله آثار او «کتاب الصلاة» است. (۶۵) شیخ مفید گوید: حرز به سیستان کوچ کرد و در همان جا به دست خوارج به قتل رسید. در آن زمان

غالب ساکنان آن ناحیه از خوارج بودند. وقتی حریر توسط یاران خویش اطلاع یافت خوارج سیستان، امیرالمؤمنین(ع) را ناسزا می‌گویند، آنان را مهدورالدم اعلام کرد. در پی آن، هر روز چند تن از خوارج توسط یاران حریر ترور شدند.<sup>(۶۶)</sup>

۶. سیف بن عمیره. وی از یاران امام صادق(ع) و امام کاظم(ع) و از روات موثق بود، اما واقفی مذهب بود.

۷. مثنی بن ولید. مثنی از اصحاب حضرت صادق(ع) بود و کتابی روایی داشت.<sup>(۶۷)</sup>

۸. عبید بن زراره. وی از راویان امام صادق(ع) و شخصیتی ارجمند بود.<sup>(۶۸)</sup>

۹. حارث بن مغیره. وی از یاران امام صادق(ع) و امام کاظم(ع) و شخصیتی عالی قدر بود و از آن دو بزرگوار و جناب زید بن علی روایت دارد.<sup>(۶۹)</sup>

۱۰. جعفر بن مثنی.<sup>(۷۰)</sup>

۱۱. لیث بن بختری مرادی. او از فقها بود. امام صادق(ع) او را از «اوتاد زمین» و برپا کنندگان قسط و راستی و «السابقون السابقون» و حافظان دین دانسته است.<sup>(۷۱)</sup>

۱۲. حماد بن عثمان. ظاهراً مقصود، حماد بن عثمان ناب از اصحاب اجماع است. این عالم عظیم الشان از راویان حضرت صادق و حضرت کاظم و حضرت رضا علیهما السلام بود. حماد و جعفر و حسین برادران وی همگی از علما و فضلا و برگزیدگان از اصحاب بودند.<sup>(۷۲)</sup>

۱۳. محمد بن اسحاق بن یسار.<sup>(۷۳)</sup>

۱۴. سفیان ثوری. وی از اصحاب و شاگردان امام صادق(ع) بود ولی به ولایت ائمه اعتقاد نداشت و در صف مخالفان آن بزرگواران بود. وی دارای مذهب خاصی بود، ولی از آن جا که حکومت وقت او را مورد پشتیبانی قرار نداد، مذهبش دوام چندانی نیافت و منقرض گردید.<sup>(۷۴)</sup>

۱۵. سفیان بن عیینه. گرچه ابن عیینه از شاگردان امام صادق(ع) بود، اما به ولایت ایشان و سایر امامان اعتقاد نداشت. از این رو امام او را در زمره کسانی بر شمرد که به مرگ جاهلی می‌میرند.<sup>(۷۵)</sup>

ابن عیینه دارای مذهب خاصی بود، ولی با خلیفه ملایم نبود. از همین رو پیروان کمی داشت و مذهبش تا قرن چهارم هجری بیش تر دوام نیاورد.<sup>(۷۶)</sup>

۱۶. عبدالملک بن ابی سلیمان. وی از فقها و بزرگان اهل سنت است.<sup>(۷۷)</sup>

۱۷. اسماعیل بن سمیع.<sup>(۷۸)</sup>

۱۸. عبدالرحمن بن مهدی. وی از حافظان بزرگ قرآن و فقهای مشهور و راویان معروف اهل تسنن است. شافعی در توصیفش گفته است: ماندنی برای او سراغ ندارم. گویند وی ۲۰/۰۰۰ روایت از حفظ داشت.<sup>(۷۹)</sup>

۱۹. ابووائل.<sup>(۸۰)</sup>

## پی نوشت ها:

۱. ابی غالب الزراری، رساله ابی غالب الزراری و تکملتها لابی عبدالله الغضائری، تحقیق محمدرضا حسینی، (قم، مرکز البحوث و التحقیقات الاسلامیه، بی تا) ص ۱۱۴؛ مقدمه همان رساله، ص ۴۱.
۲. همان، ص ۴۱ و ۴۲.
۳. همان.
۴. همان، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.
۵. همان.
۶. شیخ طوسی می فرماید: هنگامی که دو نفر عقد موالات امضا می کنند و یکی از آنان به دیگری می گوید: با تو پیمان می بندم که یاریم کنی و تو را یاری می کنم و از من دفاع کنی و از تو دفاع کنم، و جریمه جنایتیم را خاندانت عهده دار شونی و خاندان من نیز جریمه جنایت تو را بپذیرند و از من ارث ببری و از تو ارث ببرم، این عقد صحیح است. (ر.ک: حاشیه ص ۱۹۱ از تکمله رساله ابی غالب الزراری).
۷. شیبانی نام قبیله ای معروف در بکرین وائل است. عبدالکریم سمعانی، *الانساب*، تقدیم و تعلیق بارودی، چاپ اول، (بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸هـ) ج ۳، ص ۴۸۲.
۸. محمدرضا حسینی جلالی، *معجم الاعلام من آل اعین الکرام*، (ملحق به رساله ابی غالب الزراری).
۹. همان، ص ۱۱۷.
۱۰. *الرساله ابی غالب الزراری*، ص ۱۲۹ و ۱۳۰.
۱۱. همان، ص ۱۹۰ و ۱۹۱.
۱۲. همان، ص ۱۳۸.
۱۳. همان، ص ۱۸۹.
۱۴. همان.
۱۵. همان، ص ۱۳۹ و ۱۸۹.
۱۶. همان، ص ۱۳۰.
۱۷. شیخ محمدتقی تستری، *قاموس الرجال*، تحقیق مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، (قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰هـ) ج ۲، ص ۱۷۲.
۱۸. *تکمله رساله ابی غالب الزراری*، ص ۱۹۱-۱۹۲.



۱۹. رساله ابی غالب الزراری، ص ۱۳۰ و ۱۳۵.
۲۰. شیخ عبدالله مامقانی، تنقیح المقال، (نجف اشرف، المطبعة المرتضویة، ۱۳۵۲ هـ) ج ۲، ص ۲۲۸.
۲۱. همان.
۲۲. شاید اشاره به یکی از اثرات منفی فتوحات در عصر خلفا باشد.
۲۳. محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی الملقب بالشیخ المفید، الاختصاص، تصحیح و تعلیق غفاری، (قم، مکتبه الزهراء (ع)، ۱۴۰۲ هـ) ص ۵-۶؛ ثقة الاسلام محمد کلینی، الکافی، تصحیح غفاری، چاپ سوم، (بیروت، دارصعب و دارالتعارف، ۱۴۰۱ هـ) ج ۸، ص ۲۵۳.
۲۴. ظاهراً یعنی امام علی (ع) نیازمندی‌های حضرت حجت (ع) را به هنگام ظهورش در آن کتاب‌ها ابراز نموده است.
۲۵. علامه محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، تصحیح ربانی شیرازی، (تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ هـ) ج ۲۶، ص ۵۱.
۲۶. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۵.
۲۷. همان، ص ۴۰-۴۱.
۲۸. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۲۸.
۲۹. ملاعلی علیاری، بهجة الآمال، تصحیح مسترحمی (تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانیپور، ۱۳۶۳) ج ۵، ص ۳۰۵. سند و متن این روایت به صورت‌های دیگری نیز گزارش شده است. شیخ طوسی در استبصار، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، چاپ سوم (تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ هـ) ج ۱، ص ۴۸۳ و تهذیب الاحکام، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، چاپ دوم (بیروت، دارصعب و دارالتعارف، ۱۴۰۱ هـ) ج ۳، ص ۲۰۲، خبر فوق را به عبدالله بن اعین مربوط دانسته است، ولی برخی گویند: چون وجود شخصی به نام مزبور ثابت نشده است، باید جریان فوق به عبدالله بن اعین ارتباط داشته، و در آن دو کتاب، اشتباهی رخ داده باشد. قاموس الرجال، ج ۶، ص ۲۵۴ و ج ۷، ص ۱۱.
۳۰. همان.
۳۱. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۲۸.
۳۲. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، چاپ اول (بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ هـ) ج ۶، ص ۳۴۳؛ عبدالرحمن رازی، الجرح و التعذیل (بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا) ج ۵، ص ۳۴۳؛ محمد ذهبی، میزان الاعتدال، تحقیق بجاوی (بیروت، دارالفکر، بی تا) ج ۲، ص ۶۵۱ و ۶۵۲.

۳۳. ابن حجر عسقلانی، *هدى السارى، مقدمة فتح البارى*، طبع مصححة على عدة نسخ و عن النسخة التي حقق اصولها و اجازها عبدالعزيز بن عبدالله بن باز، (بيروت، دارالفكر، ۱۴۱۱هـ) ص ۵۹۲.
۳۴. علامه محمد اردبيلي، *جامع الرواة* (قم، مكتبة المصطفوي، بی تا) ج ۱، ص ۵۱۹؛ *تنقيح المقال*، ج ۲، ص ۲۲۸.
۳۵. همان.
۳۶. شيخ عباس قمی، *تحفة الاحباب*، تحقيق حسينی، چاپ اول، (تهران، دارالکتب الاسلاميه، ۱۳۷۰) ص ۲۹۲.
۳۷. وی شاگردان موافق و شيعی هم داشته است.
۳۸. اگر بپذيريم عبدالملك از ملازمان هميشگی حضرت صادق(ع) بوده، نمی توانيم قبول كنيم او وكيل حضرت محسوب می شده، زیرا وكلا در منطقه ای به دور از محل سکونت امام به رتق و فتق امور شرعی و مسائل مذهبی مردم می پرداختند.
۳۹. شيخ عباس قمی، *سفينة البحار*، چاپ اول (قم، نشر اسوه، ۱۴۱۴هـ) ج ۶ ص ۸۹.
۴۰. ابوجعفر صدوق، *من لا يحضره الفقيه*، تحقيق موسوی خراسان (بيروت، دار صعب و دار التعارف، ۱۴۰۱هـ) ج ۲، ص ۱۷۵. (با تصرف).
۴۱. *تنقيح المقال*، ج ۲، ص ۲۲۸.
۴۲. همان؛ *جامع الرواة*، ج ۲، ص ۳۶۹.
۴۳. *تنقيح المقال*، ج ۲، ص ۲۲۸.
۴۴. *جامع الرواة*، ج ۱، ص ۳۷۸.
۴۵. فضل بن شاذان، *الايضاح*، تحقيق ارموی، چاپ اول (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۱ش) ص ۳۶۷.
۴۶. *تهذيب التهذيب*، ج ۶، ص ۳۴۳.
۴۷. *جامع الرواة*، ج ۲، ص ۳۹۷.
۴۸. *هدى السارى، مقدمة فتح البارى*، ص ۵۹۲؛ جمال الدين يوسف مزى، *تهذيب الكمال*، تحقيق احمد على عبيد و حسن احمد آغا (بيروت، دارالفكر، ۱۴۱۴هـ) ج ۸ ص ۳۸۸.
۴۹. *تهذيب التهذيب*، ج ۵، ص ۲۲۲ و ج ۶ ص ۳۴۳؛ *جامع الرواة*، ج ۱، ص ۴۹۲.
۵۰. *تهذيب التهذيب*، ج ۶، ص ۳۴۳.
۵۱. *رسالة ابى غالب الزراري*، ص ۱۳۵. طبق گزارش ديگر ابوغالب، نخستين شيعه آل اعين، خواهر عبدالملك به نام ام اسود بود.
۵۲. *تنقيح المقال*، ج ۲، ص ۲۲۸؛ *بحار الانوار*، ج ۲۶، ص ۵۱ و ج ۷۶، ص ۲۷.

۵۳. آیت الله جعفر سبحانی، کلیات فی علم الرجال، چاپ دوم (قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۰۸هـ) ص ۱۷۴ و ۱۹۶.
۵۴. آیت الله سید ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، چاپ چهارم (قم، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰هـ) ج ۲۰، ص ۳۳۰.
۵۵. سید حسن صدر، تأسیس الشیعه، (بی جا، مرکز النشر و الطباعة العراقية المحدودة، بی تا) ص ۳۱۸ و ۳۲۸؛ ابوالعباس النجاشی، رجال نجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، چاپ چهارم (قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳هـ) ص ۴۴۶-۴۴۸.
۵۶. قاموس الرجال، ج ۷، ص ۱۱.
۵۷. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۴۸۸.
۵۸. عنوان «اصحاب اجماع» بر هجده تن از فقهای عصر امام باقر تا امام رضا (علیهم السلام) اطلاق می گردد. آنان گروهی بودند که علما به جلالت قدر و عظمت شان گواهی داده و کلیه روایات شان را قبول کرده اند. ر. ک: کلیات فی علم الرجال، ص ۱۷۴ به بعد.
۵۹. فطحیه کسانی بودند که امامت حضرت کاظم (ع) را قبول نداشتند و بزرگ ترین فرزند امام صادق (ع) یعنی عبدالله را پیشوای مسلمانان می دانستند. ر. ک: جامع الرواة، ج ۲، ص ۵۴۶.
۶۰. همان، ج ۱، ص ۴۷۳.
۶۱. قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، تحقیق مؤسسه الامام المهدی (ع)، چاپ اول (قم، مؤسسه الامام المهدی (ع)، ۱۴۰۹هـ) ج ۲، ص ۸۳۹.
۶۲. جامع الرواة، ج ۱، ص ۵۰۱؛ ج ۲، ص ۳۶۹.
۶۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۴۰۹.
۶۴. ر. ک: رجال النجاشی، ص ۱۴۴-۱۴۵.
۶۵. شیخ ابو جعفر محمد طوسی، الفهرست، تصحیح و تعلیق محمد صادق آل بحر العلوم (بی جا، المكتبة المرتضوية و مطبعتها، بی تا) ص ۶۲-۶۳.
۶۶. جامع الرواة، ج ۱، ص ۳۹۵.
۶۷. معجم رجال الحدیث؛ ج ۱۱، ص ۴۰۹؛ جامع الرواة ج ۲، ص ۴۰.
۶۸. معجم رجال الحدیث؛ ج ۱۱، ص ۴۱۰؛ بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۶؛ جامع الرواة؛ ج ۱، ص ۵۲۴.

٦٩. الاختصاص، ص ٥ و ٦: الكافي، ج ٨ ص ٢٥٣: جامع الرواة، ج ١، ص ١٧٥.
٧٠. الاستبصار، ج ٤، ص ١٥٢.
٧١. تنقيح المقال، ج ٢، ص ٢٢٨: جامع الرواة، ج ١، ص ٥١٩ و ج ٢، ص ٣٤ و ٣٥.
٧٢. بحار الانوار، ج ٤٤، ص ٢٣٦: جامع الرواة، ج ١، ص ٢٧١.
٧٣. تهذيب الكمال، ج ٨ ص ٣٨٨.
٧٤. تهذيب التهذيب، ج ٦ ص ٣٤٣: الجرح والتعديل، ج ٥، ص ٣٤٣: اسد حيدر، الامام الصادق والمذاهب الاربعية، چاپ دوم (بيروت، دارالكتاب العربي، ١٣٩٠هـ) ج ١، ص ١٥٤-١٥٥.
٧٥. تهذيب التهذيب، ج ٦، ص ٣٤٣: جامع الرواة، ج ١، ص ٣٦٧.
٧٦. الامام الصادق والمذاهب الاربعية، ج ١، ص ١٥٥.
٧٧. تهذيب التهذيب، ج ٦، ص ٣٤٣: محمد ذهبي، سير اعلام النبلاء، تحقيق حسين اسد، چاپ هفتم (بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤١٠هـ) ج ٦، ص ١٠٧-١٠٩.
٧٨. اسماعيل بخارى، التاريخ الكبير (بيروت، دارالكتب العلمية، بي تا) ج ٥، ص ٤٠٥.
٧٩. هدى السارى، مقدمة فتح البارى، ص ٥٩٢. درباره او و مقام علمى و عباديش رك: سير اعلام النبلاء، تحقيق على ابوزيد، ج ٧، ص ١٩٢ به بعد.
٨٠. الجرح والتعديل، ج ٥، ص ٣٤٣.

## منابع:

- ابن شاذان، فضل، الايضاح، تحقيق ارموى، چاپ اول (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۱ش).
- اردبیلی، محمد، جامع الرواة (قم، مكتبة المصطفوی، بی تا).
- بخاری، اسماعیل، التاريخ الكبير (بيروت، دارالكتب العلميه، بی تا).
- تستری، محمد تقی، قاموس الرجال، تحقيق مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ دوم (قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۰هـ).
- حیدر، اسد، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، چاپ دوم (بيروت، دارالكتاب العربي، ۱۳۹۰هـ).
- خویی، سیدابوالقاسم، معجم رجال الحديث، چاپ چهارم (قم، مركز نشر آثار شيعه، ۱۴۱۰هـ).
- ذهبی، محمد، سير اعلام النبلاء، تحقيق حسين اسد، ج ۶ و تحقيق ابوزيد، ج ۷، چاپ هفتم (بيروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۰هـ).
- \_\_\_\_\_، ميزان الاعتدال، تحقيق بجاوی (بيروت، دارالفکر، بی تا).
- رازی، عبدالرحمن، الجرح و التعديل (بيروت، دار احياء التراث العربي، بی تا).
- راوندی، قطب الدين، الخرائج و الجرائح، تحقيق مؤسسة الامام المهدي (ع)، چاپ اول (قم، مؤسسة الامام المهدي (ع)، ۱۴۰۹هـ).
- زراری، ابی غالب، رسالة ابی غالب الزراری و تکملتها لابی عبد الله الغضائری، تحقيق محمدرضا حسینی، (قم، مركز البحوث و التحقيقات الاسلاميه، بی تا).
- سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، چاپ دوم (قم، مركز مديريت حوزه علمیه قم، ۱۴۰۸هـ).
- سمعانی، عبدالکریم، الانساب، تقديم و تعليق بارودی، چاپ اول (بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۰۸هـ).
- صدر، سید حسن، تأسيس الشيعه (بی جا، مركز النشر و الطباعة العراقية المحدودة، بی تا).
- صدوق، ابوجعفر، من لا يحضره الفقيه، تحقيق موسوی خراسان (بيروت، دارصعب و دارالتعارف، ۱۴۰۱هـ).
- طوسی، محمد، الاستبصار، تحقيق موسوی خراسان، چاپ سوم (تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۹۰هـ).
- \_\_\_\_\_، الفهرست، تصحيح و تعليق محمدصادق آل بحر العلوم (بی جا، المكتبة المرتضوية و مطبعتها، بی تا).
- \_\_\_\_\_، تهذيب الاحكام، تحقيق موسوی خراسان، چاپ دوم (بيروت، دارصعب و دارالتعارف، ۱۴۰۱هـ).

- عسقلاني، ابن حجر، **تهذيب التهذيب**، چاپ اول (بيروت، دارالفكر، ١٤٠٤هـ).
- \_\_\_\_\_، **هدى الساري**، طبع مصححة على عدة نسخ و عن النسخة التي حقق اصولها و اجازها عبدالعزیز بن عبدالله بن باز (بيروت، دارالفكر، ١٤١١هـ).
- علياري، ملاعلي، **بهجة الآمال**، تصحيح مسترحمي (تهران، بنياد فرهنگ اسلامي كوشانپور، ١٣٦٣).
- قمي، عباس، **تحفة الاحباب**، تحقيق حسيني، چاپ اول (تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٧٠).
- \_\_\_\_\_، **سفينة البحار**، چاپ اول (قم، نشر اسوه، ١٤١٤هـ).
- كليني، محمد، **الكافي**، تصحيح غفاري، چاپ سوم (بيروت، دارصعب و دارالتعارف، ١٤٠١هـ).
- مامقاني، عبدالله، **تنقيح المقال** (نجف اشرف، المطبعة المرتضوية، ١٣٥٢هـ).
- مجلسي، محمدباقر، **بحار الانوار**، تصحيح رباني شيرازي (تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٨٨هـ).
- مزي، يوسف، **تهذيب الكمال**، تحقيق احمد علي عبيد و حسن احمد آغا (بيروت، دارالفكر، ١٤١٤هـ).
- مفيد، محمد بن محمد بن نعمان عكبري بغدادي، **الاختصاص**، تصحيح و تعليق غفاري (قم، افست مكتبة الزهراء) (ع)، ١٤٠٢هـ).
- نجاشي، ابوالعباس، **رجال النجاشي**، تحقيق سيد موسى شبيري زنجاني، چاپ چهارم (قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ١٤١٣هـ).